

## اسطوره قربانی در آثار منظوم عطار در تطبیق با قربانی کردن اسماعیل در نسخه مصور قصص الانبیاء

### چکیده

اسطوره قربانی یکی از آیین‌هایی است که در تمام جوامع و به شکل‌های مختلف وجود داشته است. بلاگردانی مانند خیلی از اسطوره‌ها نقش حیاتی در زندگی مردم ایفا می‌کند. در باور ملل برای در امان ماندن از بلاها و نابودی آن‌ها از روش‌های گوناگون استفاده می‌شده است. مراسم قربانی یکی از این شواهد است که به شکل ریختن خون و غیر خون‌ریزی به کار می‌رفت. در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است، اسطوره قربانی در آثار منظوم عطار با قربانی کردن اسماعیل در نسخه مصور قصص الانبیاء مقایسه می‌شود. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که اسطوره قربانی در آثار منظوم عطار، مانند سایر متون عرفانی دگردیسی پیدا کرده و به شکل درونی، ذهنی و معنوی به کار رفته است. البته در تعدادی از حکایت‌ها در معنی قربانی مادی حیواناتی مانند گاو پیشکش می‌شوند و در برخی شکل نمادین می‌یابد. در باور عرفانی، سالک برای رسیدن به مقصد اصلی باید موانعی را پشت سر بگذارد و در ذهن عطار، عارف یا عاشق برای زندگی پایدار طالب قربانی شدن است. او با قربانی کردن نفس لجام‌گسیخته خود در راه اعتلای روحانی و رسیدن به آرامش نفسانی و همجواری با حق تلاش می‌کند. عطار با زبان رمز، تمثیل و بیان اسطوره‌ها راه را هموار کرده است.

### اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با یکی از کارکردهای آیین بلاگردانی در عرفان؛ یعنی قربانی خونی و غیرخونی، در منظومه‌های عطار.
۲. مقایسه اسطوره قربانی در آثار منظوم عطار با قربانی کردن اسماعیل در نسخه مصور قصص الانبیاء.

### سؤالات پژوهش:

۱. قربانی در منظومه‌های عطار به چه شیوه‌هایی به کار رفته و چگونه نمود درونی یافته است؟
  ۲. اسطوره قربانی در آثار عطار نیشابوری با ماجرای قربانی کردن اسماعیل در نسخه مصور قصص الانبیاء چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟
- کلیدواژه‌ها:** اسطوره قربانی، آثار منظوم، عطار نیشابوری، اسماعیل، قصص الانبیاء.

## مقدمه

بسیاری از بن‌مایه‌های عرفانی، حاصل پیوند با عناصر اسطوره‌ای آفرینش، مرگ، طبیعت، جانوران و... است که با شاخ‌وبرگ دادن به آن‌ها، به‌گونه‌ای دیگر در منظومه‌ها تجلی یافته است. حقایقی دست‌نیافتنی همیشه همراه بشر بوده است که «اسطوره و شعر تنها به مدد تصویرهای رمزی توانسته آن حقایق را به تصویر بکشد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۷) وقتی اسطوره‌ها بیانگر احساس و درونیات افراد هستند، «اندیشه رمزی مقدم بر زبان گفتار و خرد برهانی است و رمز، مبین بعضی ساحات واقعیت است» (ستاری، ۱۳۸۱: ۱۵۱). کمیل اسطوره را یکی از نقاب‌های خداوند می‌داند. «به نظر او سنت‌های عرفانی به‌رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند در فراخواندن ما به آگاهی عمیق‌تری که نفس عمل زیستن است هم‌نوایی دارد» (کمیل، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۲) «اسطوره از یک نظر درباره جهان‌شناخت و فرجام‌شناسی است، تاریخ مینوی و مقدس کیهان است. به همین سبب، رازگونه و نمادین است» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۲۳). اساطیر معمولاً در آثار حماسی ملت‌هایی که از تمدنی کهن برخوردارند بازتاب می‌یابند. اما با ظهور عرفان و ورود مباحث ایدئولوژیک در شعر فارسی و فرورفتن شاعر به درون خویش و روی‌گردانی از عوالم بیرون، اسطوره‌ها به شکلی دیگر در آثار عرفانی آشکار شده‌اند.

«در شعر عرفانی از سنایی به بعد بسیاری از عناصر اساطیر ایرانی در خدمت اندیشه‌های صوفیانه درآمد و تغییر ماهیت داد. در ادبیات عرفانی، شخصیت‌ها، مکان‌ها، رویدادها و عناصر اساطیری به نمادهایی بدل می‌شوند که به جهان بی‌کران جان اشاره می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۰-۲۸۴). عارفان ما با درونی کردن اسطوره‌ها و شخصیت‌های حماسی، تاریخی و اساطیری کوشیدند تفسیر و تأویلی دیگر متناسب با جهان‌بینی خود از این اساطیر ارائه کنند و این تصاویر، حکایات و اشخاص را در خدمت آرمان‌های خویش گرفته و تصویری روشن‌تر از سیر و سلوک عارفانه با مخاطبان در میان بگذارند. «انگیزه پیدایش اساطیر خدایان و عرفان یکی است. اساطیر خدا را به‌سوی انسان می‌کشاند؛ اما عرفان انسان را به‌سوی خدا» (مظفری، ۱۳۸۸: ۱۶۲). بعد از سنایی، عطار دومین شاعری است که پاره‌ای از فرهنگ‌های اسطوره‌ای از جمله قربانی را با نکته‌سنجی‌های زیبا در آثار خود به‌کار برده است. او با تجلی شاعرانه تمثیل را به عرفان پیوند می‌زند (اشرف‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۶). در این پژوهش پس از واکاوی بلاگردانی از طریق اشکال قربانی در ایران باستان، نمونه‌های به‌کاررفته در غزلیات، قصاید و مثنوی‌های منطق‌الطیر، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه و اسرارنامه عطار بررسی و شرح می‌شود. در مورد اسطوره قربانی آثار ارزنده‌ای نگاشته شده است. اما تحقیق مستقلی که به‌طور مجزا این اسطوره را در آثار عرفانی و منظوم عطار بررسی کرده باشد، دیده نشد. این امر علاوه بر این که جنبه نوآوری پژوهش را می‌افزاید، می‌تواند دیدگاه‌ها و سیر درونی شدن اسطوره را در عرفان و منظومه‌های شاخص عطار نشان دهد. پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله به شرح زیر است:

فریزر (۱۳۹۲) در کتاب «شاخه زرین» نمونه‌هایی از اشکال آیین قربانی و بلاگردانی را با توجه به فرهنگ هر ملت بررسی کرده است. فقیهی محدث (۱۳۹۰) نیز در کتاب «قربانی در ادیان الهی» به بررسی آیین قربانی در ادیان مختلف پرداخته است. آزادی ده عباسانی (۱۳۹۴) در مقاله «رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ» آیین قربانی را در موارد ذکر شده در عنوان مقایسه و تحلیل کرده است. آقاخانی بیژنی (۱۳۹۶) در مقاله «باور بلاگردانی در قوم بختیاری» چگونگی برگزاری مراسم، هدف و اشکال بلاگردانی با خون و غیر خون را

در قوم بختیاری بررسی نموده است. امیدی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی و تحلیل قربانی حیوانات در متون نظم روایی بر اساس نظریه‌های قربانی» تعدیل قربانی‌های انسانی به قربانی‌های حیوانی را از آثار پایه‌گذاران ادیان الهی دانسته است. در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی براساس مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است، بدین شکل که پس از استخراج داده‌های موردنظر، براساس بافت متن به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم.

## نتیجه‌گیری

اسطوره‌ها پیوندی محکم با عواطف انسان‌ها دارند. به همین دلیل از زمان‌های کهن در جوامع مختلف بشری وجود داشته‌اند. ادبیات نیز سرچشمه احساسات آدمی است پس طبیعی است که همواره بین اسطوره و ادبیات ارتباط وجود داشته باشد. «اسطوره در تماس با تاریخ، مدام از حالت اسطوره درمی‌آید و به مرتبه تمثیل می‌رسد» (سارتر، ۱۳۸۸). عطار نگاهی ویژه به اسطوره‌ها دارد. پاره‌ای از عناصر اسطوره‌ای مثل بلاگردانی به شکلی دیگر در منظومه‌های او به‌کاررفته و آن‌ها را دست‌مایه خلق مضامین عرفانی کرده است. او با استفاده از زبان نمادین به رمزپردازی عرفانی می‌پردازد و حاصل آن اشعاری است با تصاویر خیالی همراه با شناخت و معرفت. وی اسطوره قربانی و پاره‌ای از بلاگردان‌ها را به شکلی ذهنی، درونی و متفاوت به کار برده است. در گفتگوهای عرفانی عاشق با تیر نگاه معشوق قربانی می‌شود. او حاضر است از بهترین دارایی خود یعنی جانش بگذرد؛ یعنی با قربانی خود و تعلقاتش می‌خواهد به وارستگی‌ها دست یابد و دیوارها و موانع برداشته شود و عاملی جز شوق وصال اتفاق قربانی شدن را رقم نمی‌زند. مفهوم یکی شدن و فناء فی‌الله جایگزین مفاهیم اسطوره‌ای می‌شود. عاشق وقتی نمی‌تواند معشوق را توصیف کند، زمانی که در دوری از او ناشکیب است، هنگامی که ناتوان از وصال است و در نهایت برای دستیابی به قرب الهی تن به قربانی شدن می‌دهد. در باور عرفانی سالک برای رسیدن به مقصد اصلی باید موانعی را پشت سر بگذارد و عطار با زبان رمز و تمثیل و بیان اسطوره‌ها راه را هموار می‌کند. حتی در این راه از قربانی کردن گاو که نماد نفس یا تعلقات دنیوی است بهره می‌برد تا به بالاترین درجه عرفان برسد. بهره‌گیری عطار از اسطوره‌ها و باورها و رسوم مردمی در آثارش بیانگر تحول و دگردیسی این اسطوره‌ها در اشعارش است و با به‌کاربردن آن‌ها در عرفان، از نهایت دل‌بستگی به خدا و صعود به اصلی سخن می‌گوید. در نسخه مصور قصص الانبیاء نیز قربانی کردن انسان در ماجرای تصمیم به قربانی کردن حضرت اسماعیل نمود یافته است.

## فهرست منابع و مآخذ:

- آزادی ده‌عباسانی، نجمه. (۱۳۹۴). «رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۱، شماره ۳۸، ۴۰-۱۱.
- ابراهیم‌تبار، ابراهیم. (۱۳۹۴). «ابلیس در جهان‌بینی عطار»، فصلنامه ادبیات عرفانی اسطوره‌شناختی، سال ۱۱، شماره ۴۰، ۲۲.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). اسطوره بیان نمادین. چاپ دوم، تهران: سروش.
- اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۷۳). تجلی رمز و روایت در شعر عطار. تهران: اساطیر.
- برومند سعید، جواد. (۱۳۶۶). «افیون در شراب»، مجله چیستا، شماره ۴۳، آبان، ۲۶۳-۲۵۹.
- خوارزمی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «باور بلاگردانی در شاهنامه»، دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات و ادبیات عامه، دوره ۱، شماره ۲، ۲۳-۱.
- رحیمی، امین؛ موسوی، سیده زهرا و مروارید، مهرداد. (۱۳۹۳). «نمادهای جانوری نفس در متون عرفانی باتکیه‌بر آثار سنایی، عطار و مولوی». متن‌پژوهی ادبی، سال ۱۸، شماره ۶۲، ۱۷۳-۱۴۷.
- سارتر، ژان پل. (۱۳۵۲). ادبیات چیست. ترجمه: ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: زمان.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۱). اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده، تهران: مرکز.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن. (۱۳۷۹). فرهنگ نمادها. ترجمه: سودابه فضایی، جلد دوم، تهران: جیحون.
- (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها: ترجمه: سودابه فضایی، جلد چهارم، تهران: جیحون.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۲). منطق‌الطیر. تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ ۱۹، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۱۳۶۱). اسرارنامه. تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ دوم، تهران: زوآر.
- (۱۳۶۸). دیوان عطار. تصحیح تقی تفضلی، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۱۳۸۶). مصیبت‌نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ سوم، تهران: سخن.
- (۱۳۸۸). الهی‌نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ پنجم، تهران: سخن.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۹۲). شاخه زرین. ترجمه: کاظم فیروزمندی، چاپ هفتم، تهران: آگاه.

- غریبی، کاظم و دیگران. (۱۴۰۰). «تحلیل باور بلاگردانی در بین زنان رمان‌های علی‌محمد افغانی»، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره ۱۴، شماره ۶۶، ۱۴۷-۱۳۲.
- کمبل، جوزف. (۱۳۷۷). قدرت اسطوره. ترجمه: عباس مخبر، تهران: مرکز.
- لسان، حسین. (۱۳۵۵). «قربانی از روزگار کهن تا امروز»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۶۷، ۷۰-۶۰.
- مصطفوی، علی‌اصغر. (۱۳۶۹). اسطوره قربانی. تهران: بامداد.
- مظفری، علیرضا. (۱۳۸۸). «کارکرد مشترک اسطوره و عرفان». فصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، شماره ۱، ۱۶۷-۱۴۹.
- نجمی، شمس‌الدین. (۱۳۹۴). «واکاوی اسطوره جرعه‌فشانی». نشریه ادب و زبان دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۳۸، ۳۶۴-۳۴۳.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۶۸). شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.